

## فرصت‌های زیبای زندگی را دریابیم

حجت‌الاسلام والمسلمین احمد لقمانی\*

### اشاره

فراغ دلت هست و نیروی تن      چون میدان فراخ است گویی بزن  
نباشد همیشه روان در بدن      نباشد همیشه زبان در دهان  
من این روز را قدر نشناختم      بدانستم اکنون که در باختم<sup>۱</sup>

سال‌ها بود که می‌خواستم از فردا شروع کنم، ولی دیدم فردا همیشه یک روز از من جلوتر است؛ پس از همین الان شروع کردم. این نوشتار می‌کوشد توجه مخاطب را به فرصت‌های زندگی و چگونگی استفاده از آن را یادآوری کند. استفاده بهنگام از فرصت‌های زندگی، درست همانند یاران با وفای امام حسین (علیه السلام)، می‌تواند سبب آرامش و رستگاری ابدی ما گردد. از دست ندادن فرصت‌ها، توجه به عقل و خردمندی در زندگی، زندگی و اخلاق‌مداری، اهمیت توفیقات الهی در زندگی و ... از موضوعاتی است که در این نوشتار به آنها پرداخته می‌شود.

### فرصت‌سازی در زندگی

اگر انسان فرصت را تلف کند، فرصت نیز انسان را تلف می‌کند. باید از گذشته آموخت و نباید به گذشته آویخت. آینده از آن کسانی است که از امروز برای آن برنامه‌ریزی می‌کنند، نه اینکه دچار برنامه‌روزی شوند؛ زیرا روزمرگی انسان را به روزمرگی مبتلا می‌کند.

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) فرموده است: «أَلَا فَاعْمَلُوا وَالْأَلْسُنُ مُطْلَقَةٌ وَالْأَبْدَانُ صَاحِبَةٌ وَالْأَعْضَاءُ لَذَنَّةٌ وَالْمُنْقَلَبُ نَسِيحٌ وَالْمَجَالُ غَرِيضٌ»<sup>۲</sup> همین اکنون عمل کنید که زبان شما باز است و بدن شما

\* مبلغ نخبه دفتر تبلیغات اسلامی.

۱. سعدی.

۲. شریف الرضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۹۶.

صحیح است و می‌توانید برای خیرات و حسنات گام بردارید». اعضای بدن انسان نرم و در اختیار اوست و فضا باز است و فرصت وجود دارد و میدان عمل آماده است؛ پس مبادا کندی و کاهلی و سستی کند، بلکه از همین اکنون باید به دنبال شکار بود، وگرنه فرصت‌ها انسان را شکار می‌کنند و هنگام کوچ از این دنیا دل‌ها پر از خالی است. زیبا زندگی کردن یعنی میلی‌متری و ظریف‌بودن؛ وقتی چنین شدیم، عمر ما به جای هشتاد سال، هشتصد سال و هشت‌هزار سال می‌شود!

اگر نمی‌توانیم به روزهای زندگی خود بیفزاییم، به زندگی روزهای خود بیفزاییم. با درپیش گرفتن این مورد می‌توانیم به زندگی روزهای خود بیفزاییم:

۱. فراموش کردن تلخی‌های دیروز؛

۲. غنیمت‌شمردن پیشرفت‌های امروز؛

۳. امیدواری به فرصت‌های فردا.

با این بینش و روش، خوشبختی و آرامش در کنار هم‌بودن‌ها پیش می‌آید و دوست‌داشتن‌ها و ثانیه‌های زندگی به وجود می‌آید که گاه در شتاب روزمرگی‌ها آنها را گم کرده‌ایم و از یاد برده‌ایم. وقتی این درک و دریافت را نداشته باشیم، فکر می‌کنیم ابتدا باید به آسایش و خوشبختی برسیم و بعد به زندگی لبخند بزنیم؛ درحالی‌که اول باید به زندگی لبخند بزنیم تا به آرامش و شادی برسیم. درواقع خوشبختی در مسیر است، نه در مقصد. این بینش، بهشت زودرس را برای ما فراهم می‌کند.

این چه حرفی است که در عالم بالاست بهشت      هر کجا وقت خوش افتاد، همانجاست بهشت  
دوزخ از تیرگی بخت درون من و توسست      دل اگر تیره نباشد، همه دنیااست بهشت<sup>۱</sup>

### زندگی و اندیشه بهشتی

بنا بود اشیاء خلق شوند و در خدمت انسان قرار گیرند؛ اما برعکس انسان‌ها در خدمت اشیاء قرار گرفته‌اند. وقتی انسان در جایگاه گل سرسبد آفرینش، عبید و ذلیل میز و مبل و مد و مدل شود، هرچه می‌رود و می‌دود، غیر از آشوب‌خاطر چیزی نصیبش نمی‌شود؛ زیرا راه را اشتباه انتخاب کرده است. بنابراین هرچه می‌بیند، سراب است و نه آب.

۱. صائب تبریزی.

ما موجودات خاکی نیستیم که می‌خواهیم به بهشت برویم، بلکه موجودات بهشتی هستیم که از خاک سر در آورده‌ایم. پایی که انسان را به حسینیه خیریه و مسجد نمی‌رساند، هرگز نمی‌تواند او را به بهشت برساند؛ زیرا سنخیت لازم است و هم‌بویی و هم‌سوایی را می‌طلبد. آنان که روح و روحیه‌ای بهشتی دارند، هرگز سراغ لغو (بیهوده) و لهو (سرگرمی‌های زیان‌بار) و گناه و معصیت نمی‌روند.

بهای بدن‌های شما بهشت و بهای روح شما بالاتر از بهشت است؛ از این‌رو بهشت به خدمت شما می‌آید و خداوند متعال می‌فرماید: «وَأُزِلْفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ»<sup>۱</sup> [در آن روز] بهشت را به پرهیزکاران نزدیک می‌کنند و فاصله‌ای از آنان ندارد.

اگر انسان می‌خواهد به بهشت برود، باید بدن خود را به سختی عبادت عادت بدهد. حجاب، رعایت تقوا و پاکی سختی دارد، اما بهشت پاداش و عوض آن است. خانواده‌خوشحال به معنای بهشت زودرس است. راه بهشت، اندیشه بهشتی می‌خواهد و اندیشه بهشتی، انگیزه بهشتی دارد. راه بهشت برای تمام اصحاب امام حسین باز بود؛ زیرا اندیشه بهشتی داشتند. بنابراین باید باور کنیم:

از خاک بر آمدیم آدم باشیم      آن‌گاه به حریم دوست محرم باشیم  
از آب و گل بهشت ما خلق شدیم      حیف است که هیزم جهنم باشیم<sup>۲</sup>

### زندگی خردمندانه

انسان‌ها دو گونه زندگی می‌کنند:

نوع نخست: زندگی هیجانی احساسی و هوسی که با چشم عاشق می‌شوند، نه با عقل و زود تصمیم می‌گیرند؛ یعنی زود عاشق می‌شوند و زود فارغ. این گروه همواره اشتباه می‌کنند و پایان عمر خود را چنین بیان می‌کنند:

غافلم اشتباه کردم من      عمر خود را تباه کردم من  
در ره عشق بی‌سرانجامی      روزگارم سیاه کردم من

نوع دوم: کسانی که با عقل و اندیشه و بصیرت زندگی می‌کنند:  
هر که داند خدای را حاضر چشم او از حیا شود ناظر

۱. ق: ۳۱.

۲. خیام.

نکند هرچه عقل نپسندد در باطل به خود فرو بندد<sup>۱</sup>

در لحظه‌های آغازین هر صبح از خدا بخواهیم عقل مان شکوفا شود. وقتی عقل شکوفا شد، خود انسان شکوفا می‌شود؛ در نتیجه زندگی آدمی شکوفا می‌شود و دنیا و ابدیت او آباد آباد خواهد شد. ممکن این پرسش مطرح شود که عقل چیست؟ در پاسخ باید گفت عقل نرم‌افزار درونی است که موجب ستایش و بندگی خدای مهربان و نیز دست‌یابی به بهشت مغفرت و رضوان می‌شود. امام صادق علیه السلام فرمود: «العقل ما عبد به الرحمن و اكتسب به الجنان».<sup>۲</sup>

یاران امام حسین علیه السلام با انتخاب آزادانه خود در روز عاشورا، عقل‌گرایی را به نمایش گذاشتند. آنان به‌درستی فهمیدند که سعادت و رستگاری ابدی تنها در پرتو اطاعت و حمایت از فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله، امام حسین علیه السلام به دست خواهد آمد. بر همین اساس سالار شهیدان روز عاشورا خطاب به یاران خود فرمود: «صَبْرًا بَنِي الْكَرَامِ، فَمَا الْمَوْتُ إِلَّا قَنْطَرَةٌ تَغْبُرُ بِكُمْ عَنِ الْبُؤْسِ وَالضَّرَاءِ إِلَى الْجَنَانِ الْوَاسِعَةِ وَالتَّعْيِمِ الدَّائِمَةِ، فَأَيُّكُمْ يَكْرَهُ أَنْ يُنْتَقَلَ مِنْ سِجْنٍ إِلَى قَصْرِ: استقامت کنید ای بزرگ‌زادگان، چراکه مرگ [و شهادت] تنها پلی است که شما را از ناراحتی‌ها و رنج‌ها به سوی باغ‌های وسیع و نعمت‌های جاویدان بهشت عبور می‌دهد. کدام‌یک از شما ناخوشنودید که از زندانی به قصری منتقل شوید؟».

عقل باشد راه‌بند هر خطا  
جهل باشد منشأ جور و جفا

## زندگی و اخلاق‌مداری

عقل نه تنها به زندگی آدمی ایمان و بصیرت می‌بخشد و راه درست را به انسان نشان می‌دهد، موجب می‌شود انسان در مدار اخلاق گام بردارد و از امور زشت دوری کند. از جمله مواردی که عقل برای انسان به دست می‌آورد، عبارت‌اند از:

الف) عقل در زندگی انسان را به عفت هدایت می‌کند؛ امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «إِنَّ أَصْلَ الْعَقْلِ الْعَفَافُ وَ ثَمَرَتُهُ الْبَرَاءَةُ مِنَ الْآثَامِ: اصل عقل، عفت و نتیجه‌اش خودداری از گناه است». همچنین فرمود: «الْعَفَافُ يَصُونُ النَّفْسَ وَيُنْزِلُهَا عَنِ الدُّنْيَا: عَفَتْ، نفس را مصون می‌دارد و آن را

۱. اوحدی مراغه‌ای.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۱۱.

۳. شیخ صدوق، معانی الأخبار، ج ۳، ص ۲۸۸.

۴. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۷.

۵. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غرر الحکم و دررالکلم، ص ۱۱۰.

از پستی‌ها دور نگه می‌دارد».

ب) ثمره خردمندی، حلم و بردباری است؛ علی علیه السلام می‌فرماید: «دِعَامَةُ الْعُقْلِ الْحِلْمُ»<sup>۱</sup> ستون عقل و خردمندی، حلم و شکیبایی است».

عاقلان با حلم ره دارند و بس جاهلان در جامعه چون خرمگس

ج) انسان خردمند زبان خود را از غیبت و تهمت و فحش و لغزش زبان می‌بندد؛ زیرا زبان درنده‌ای است که اگر رها شود، زخم می‌زند و آسیب می‌رساند. امام علی علیه السلام فرمود: «اللِّسَانُ سَبْعُ اِنْ خُلِيَ عَنْهُ عَقْرٌ»<sup>۲</sup>.

د) انسان خردمند در پی دانش و کسب بصیرت است. امام موسی کاظم علیه السلام می‌فرماید: «تَفَقَّهُوا فِي دِينِ اللَّهِ فَإِنَّ الْفَقْهَ مِفْتَاحُ الْبَصِيرَةِ وَ تَمَامُ الْعِبَادَةِ وَ السَّبَبُ إِلَى الْمَنَازِلِ الرَّفِيعَةِ وَ الرَّتَبِ الْجَلِيلَةِ فِي الدِّينِ وَ الدُّنْيَا وَ فَضْلُ الْفَقِيهِ عَلَى الْعَابِدِ كَفَضْلِ الشَّمْسِ عَلَى الْكَوَاكِبِ وَ مَنْ لَمْ يَتَفَقَّهُ فِي دِينِهِ لَمْ يَرْضَ اللَّهُ لَهُ عَمَلًا»<sup>۳</sup> در دین خدا فقیه و دانا شوید؛ زیرا فقه کلید بصیرت است و مایه کمال عبادت و وسیله رسیدن به مقامات بلند و مراتب عالی دینی و دنیایی. برتری فقیه بر عابد همچون برتری خورشید است بر ستارگان و هرکه در دین خود دانا و فقیه نشود، خداوند هیچ عملی را از او نپسندد». این روایت بیان می‌کند که برای پیدا کردن دو چشم در دل و دیدن ماورای حوادث ظاهری و واقعیات یک راه وجود دارد و آن این است که آگاه شوید و در دین الهی و بایدها و نبایدهای الهی سهیم شوید؛ زیرا فهم و دانش دین، کلید بصیرت و بینایی است. به‌راستی چه لذتی دارد انسان از سر قله علم و دانایی به حوادث نگاه کند. در این حالت است که بسیاری از غم‌ها و غصه‌های او می‌ریزد، اما خودش اوج می‌گیرد و آسمانی و قدسی و الهی می‌شود. اگرچه این راه زحمت و رنج تلخی و سختی و ناکامی بسیاری دارد، ارمغان ارزشمندی را نیز با خود همراه می‌آورد و آن فراتر از من شدن، بزرگ شدن است؛ یعنی شرح صدر و وسعت وجود کامیابی عالی و معنوی و روشن‌بینی در زندگی است که فرموده‌اند:

\* یک روز به روشن‌بینی زندگی کردن، بهتر از صدسال عمر در تاریکی است.

\* ساده‌ترین کار جهان آن است که خودت باشی و دشوارترین کار جهان آن است کسی

باشی که دیگران می‌خواهند.

۱. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۷۴.

۲. شریف الرضی، نهج البلاغه، ح ۵۷، ص ۱۱۱۴.

۳. حسن بن علی ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۴۱۰.

\* اگر می‌خواهید سلطان زندگی خود باشید، باید خود را از بردگی‌های اشیا و اشخاص رها و بندگی کنید تا پاینده و بنده شوید؛ درست مانند اصحاب امام حسین علیه السلام که از همه دلبستگی‌ها و از همه هستی خود گذشتند.

بندگی کن تا که سلطانت کنند      تن رها کن تا که جانانت کنند<sup>۱</sup>

### اهمیت توفیقات الهی در زندگی

گاهی خداوند توفیق خاصی به آدمی عطا می‌کند و یک نصیحت، حکمت یا حکایت را نصیب او می‌گرداند که آدمی شصت یا هفتاد سال از آن بهره‌مادی و معنوی می‌برد. علامه طباطبایی می‌گوید از حرم امیرمؤمنان علی علیه السلام به طرف منزل حرکت می‌کردم، نزدیک خانه خود دست مهربان و ملیحی را سر شانه خود احساس کردم. برگشتم و آقا سیدعلی قاضی طباطبایی استاد اخلاقم را دیدم. با چشمان مهربانش به من نگاه کرد و فرمود: «ای عزیز، دنیا را می‌خواهی نماز شب بخوان؛ آخرت را می‌خواهی، نماز شب بخوان». این جمله مانند دارویی تأثیرگذار در وجود من اثر کرد تا آنجا که اکنون سی سال از آن زمان می‌گذرد و یک شب نماز شب من ترک نشده است.

پیوند امور مادی و معنوی و نیز دنیوی و اخروی در سخنان خاص و خدایی وجود دارد. اگر آدمی زیرک باشد و هر روز یکی از این سخنان را نصیب خود کند، دنیا و آخرتی آباد خواهد داشت.

شیوه همیشگی رسول خدا صلی الله علیه و آله در هر محل این بود که همگان را نصیحت می‌کردند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ»<sup>۲</sup> ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا دارید و سخنی استوار گوید تا اعمال شما را به صلاح آورد و گناهانتان را بر شما ببخشد». کشنده‌ترین نیش، نیش مار و عقرب نیست، بلکه نیش زبانی است که قلب را می‌زند و دل را می‌شکند؛ از این رو گفته‌اند:

۱. موسیانی اصفهانی.

۲. احزاب: ۷۰.

شکست شیشه دل را مگو صدایی نیست که این صدا به قیامت بلند خواهد شد<sup>۱</sup>

## کامیابی در زندگی

گوهر خود را هویدا کن، کمال این است و بس

خویش را در خویش پیدا کن، کمال این است و بس<sup>۲</sup>

بهترین کمال و کامیابی در زندگی چیست؟ کمال و کامیابی در تقلید زندگی از دیگران، قضاوت دیگران یا مقایسه خود با دیگران نیست، بلکه انسان باید خیر خویش را در خویش پیدا کند؛ وقتی به این مرحله رسیدیم، می‌آموزیم و می‌آموزانیم.

مراقب خود باشیم و خود را ارزان نفروشیم؛ زیرا اگر ارزان فروختیم و به هر قیمتی زندگی کردیم، به کمال نخواهیم رسید؛ اما اگر قیمتی زندگی کنیم، عالی و الهی و خدایی بوده‌ایم. حقیقت زیبای زندگی اهل بیت (علیهم‌السلام) آن است که در ابتدا خویش را شناخته‌اند. اگر انسان خود ارزشمند نباشد و بی‌خیال زندگی کند، به تباهی می‌رسد. یکی از بهترین عرصه‌های دینداری، خودارزشمندی است؛ چنان‌که فرموده‌اند: «مَعْرِفَةُ النَّفْسِ أَنْفَعُ الْمَعَارِفِ».<sup>۳</sup> این جمله به‌زیبایی بیان می‌کند که شناخت خویش، خودیابی و خودکاوی بهترین و عالی‌ترین معرفت‌ها و بهترین علوم است. وقتی انسان خود را شناخت، عالی و حتی اعلا زندگی می‌کند.

## سواد زندگی

در گذشته پدران و مادران سواد زندگی را در خواندن و نوشتن می‌دانستند؛ اما پس از گذشت زمانی، دیگر خواندن و نوشتن سواد زندگی نبود، بلکه استفاده از رایانه که آدمی بتواند برنامه بدهد و برنامه بگیرد، به معنای سواد زندگی بود. ولی امروزه کار با رایانه نیز سواد زندگی نیست، بلکه باسواد واقعی کسی است که قدر و قیمت خود را بداند؛ زیرا کسی که چند مدرک داشته باشد، اما قدرت درک و شناخت خود را نداشته باشد، شناخت و معرفت ندارد، بلکه باسواد واقعی، اهل فهم، درک و دریافت است، برای خود زندگی می‌کند نه دیگران و در زندگی خود زندگی می‌کند نه در زندگی دیگران.

۱. صائب تبریزی.

۲. میرزا حبیب خراسانی.

۳. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غرر الحکم و دررالکلم، ص ۷۱۲.

## دل چو غافل شد از حق فرمان‌پذیر تن شود

می‌برد هر جا که خواهد اسب خواب‌آلوده را<sup>۱</sup>

گاهی یک نگاه، یک شب‌نشینی، یک دور هم‌بودن، یک امضا، یک بار نوشیدن، یک بار پوشیدن، یک بار کشیدن و یک بار چشیدن شصت سال انسان را خانه‌نشین بدبخت و بیچاره می‌کند؛ چنان‌که امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ نَظَرَ بَعَيْنٍ هَوَاةَ أَفْتَيْنَ وَ جَارَ وَ عَنْ نَهْجِ السَّبِيلِ زَاغَ وَ حَارَ»<sup>۲</sup> هر که به خواهش نفس خود نگاه کند، به فتنه افتد و ستم کند و از راه آشکار منحرف و سرگردان شود؛<sup>۳</sup> یعنی گرفتار بلاهای سخت و تلخ مانند آبروریزی می‌شود. چنین انسانی برای رسیدن به مطلوب خود، جور و ستم و ظلم می‌کند، آرام‌آرام از راه خداوند دور می‌ماند و حیران می‌شود.

یاد و نام خدا موجب خویشتن‌داری و خویشتن‌بانی موجب سلطه عقل بر وجود می‌شود؛ ولی جهل، هوس و گناه موجب می‌شود آدمی در زندگی بازیچه شیطان و شیطان‌صفتان شود؛ درحالی‌که پاکی و پاکدامنی، آگاهی و دانایی، بصیرت و بینایی انسان را از نزدیک شدن به لغزشگاه‌ها و پرتگاه‌ها دور می‌کند و از سقوط مصون می‌ماند.

نیست آرام در آن دل که هوس بسیار است شورآمیز بود شعله چو خس بسیار است<sup>۴</sup>  
امام صادق علیه السلام فرمود: «مَنْ كَانَ عَافِلًا كَانَ لَهُ دَيْنٌ وَ مَنْ كَانَ لَهُ دَيْنٌ دَخَلَ الْجَنَّةَ»<sup>۵</sup> هر که خردمند باشد، دیندار است و هر که دیندار باشد، به بهشت می‌رود. کسی که در سرزمین وجود خود به جای توفان و هوا و هوس، عقل و خرد ایجاد کند، عقل به او داروی آرام‌بخش می‌بخشد و دست او را به سوی آسمان آبی آرامش الهی می‌رساند و کسی که آرمان الهی را یافت، هم‌جنس خود یعنی بهشت شادی و شور و آرامش را می‌یابد نه جهنم شر و شرارت و شیطان‌صفتی را. صائب تبریزی نیز این‌گونه سروده است:

هر که صائب نکشد در دل خود آتش حرص      گرچه در باغ بهشت است جهنم با اوست

از همین رو گفته‌اند آخرت یعنی آخر کار. اگر در دنیا در درون خود صلح و آرامش برقرار کردید، پس از مرگ هم در صلح و آرامش و آمرزش خواهید بود. درحقیقت بهشت آرامش و

۱. صائب تبریزی.

۲. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غرر الحکم و دررالکلم، ص ۶۶۹.

۳. صائب تبریزی.

۴. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۱.



شادی با افکار و رفتارمان در دست ماست؛ بر همین اساس حافظ می‌گوید:  
من که امروزم بهشت نقد حاصل می‌شود      وعده فردای زاهد را چرا باور کنم

## زیبایی زندگی

هر یک از ما باید ارزش‌های سنجش‌ناپذیر لحظه‌لحظه‌های زندگی را بدانیم و نوع بینش و نگرش خود را تعالی بخشیم. لذت‌بردن از الانِ زندگی، عالی است. اندیشیدن به گذشته فقط و در گذشته سیر کردن به انسان اندوه و افسردگی می‌دهد؛ همچنین پرداختن به آینده به من و شما دلهره و اضطراب می‌بخشد، ولی فکر کردن به اکنون و الان، لذت زندگی می‌بخشد و توجه به داشته‌هاست. وقتی لذت زندگی را بردیم، هورمون سروتونین شادی بخش در وجود ما منتشر می‌شود و به دیگران هم منتقل می‌کنیم. در واقع شادی، مقدمه موفقیت است، نه موفقیت مقدمه شادی. وقتی از آن و اکنون لذت ببریم، به داشته‌های خود بیندیشیم و افتخار کنیم، به تمام نداشته‌ها و آرزوهای خود می‌رسیم و این‌گونه می‌اندیشیم:

زندگی زیباست چشمی باز کن      گردشی در کوچه باغ راز کن  
هرکه عشقش در تماشا نقش بست      عینک بدبینی خود را شکست  
هرکه را نور یقین پیدا شود      می‌تواند زشت هم زیبا شود<sup>۱</sup>

هرگاه چشم اندیشه خود را بگشاییم، عشقمان به تماشای زندگی بنشیند و نور یقین بیابیم، به این باور دست می‌یابیم که فرمود: «إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّى»<sup>۲</sup> تلاش‌هایتان با هم فرق دارد». سعی و کوشش برخی بر اساس نگاهی توحیدی و ربانی به زندگی است. این افراد از دلهره و اضطراب و افسردگی و التهاب دوری می‌کنند و زندگی سهل و آسانی می‌یابند.

خداوند متعال می‌فرماید: «فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى»<sup>۳</sup> یعنی هر کسی که بخشنده باشد و خودش را نیازمند به خدا بداند و وعده‌های خوب خدا را باور کند، خداوند به او توفیق می‌دهد تا آسان زندگی کند.

باخبر باش پس از ظلمت این چند صباح      صبح دولتِ پدَمَدِ شادیِ ما پشت در است<sup>۴</sup>

۱. شهرام محمدی.

۲. لیل: ۴.

۳. لیل: ۵ - ۷.

۴. محسن محمدی.

از سوی دیگر نیز فرموده است: «وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَىٰ وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَىٰ فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرَىٰ وَمَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّىٰ إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ وَإِنَّ لَنَا لَلْآخِرَةَ وَالْأُولَىٰ فَأُنذِرُكُم نَارًا تَلْقَوْنَ لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى»؛<sup>۱</sup> یعنی هرکه خسیس باشد و خودش را بی‌نیاز از خدا بداند و وعده‌های خوب خدا را دروغ بداند، خدا او را رها می‌کند تا سخت زندگی کند. وقتی هم به دره هلاکت سقوط می‌کند، اموالش به درد او نمی‌خورد.

علی علیه السلام می‌فرماید: «الرَّهْدُ كُلُّهُ بَيْنَ كَلِمَتَيْنِ مِنَ الْقُرْآنِ، قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ: "لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ"؛ وَمَنْ لَمْ يَأْسَ عَلَى الْمَاضِي وَلَمْ يَفْرَحْ بِالْآتِي، فَقَدْ أَخَذَ الرَّهْدَ بِطَرَفَيْهِ»<sup>۲</sup> همه زهد میان دو کلمه از قرآن قرار گرفته است. خدای تعالی می‌فرماید: "بر آنچه از دستتان می‌رود، اندوهگین نباشید و بدانچه به دستتان می‌آید، شادمانی نکنید." کسی که بر گذشته تأسف نخورد و بر آینده شادمان نباشد، زهد را از دو سوی آن گرفته است».

### کتاب‌نامه

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، کمال الدین و تمام النعمه، مصحح: علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۹۵ ق.
۲. \_\_\_\_\_، معانی الأخبار، مصحح: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۱ ش.
۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، ترجمه: صادق حسن‌زاده، قم: آل علی علیهم السلام، ۱۳۸۷ ش.
۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و دررالکلم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۶۶ ش.
۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۶۳ ش.
۶. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.

۱. لیل: ۸ - ۱۵.

۲. شریف الرضی، نهج البلاغه، حکمت ۴۳۹.